

Original Article

Couples' Mental Knots about Having Children and Increasing the Population

Abolfazl Eghbali^{1✉}, Atefeh Khaleghi²

1. Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Received: 2025/01/29

Revised: 2025/03/16

Accepted: 2025/03/17

Doi: [10.48308/jfr.2025.238566.1913](https://doi.org/10.48308/jfr.2025.238566.1913)

Extended Abstract

Introduction: Population is a critical component of power across global economic, security, political, and cultural arenas. While structural factors significantly influence population changes, including its marked decline over the past two decades, the role of couples' agency in childbearing decisions is paramount. The natural "desire for children," a personal agreement between partners, has become disrupted at the micro-level. In Iran and globally, this traditional goal of marriage is now questioned due to pervasive mental blocks ("knots"), leading couples to postpone or approach childbearing with caution based on cultural and media-driven beliefs. Identifying and enumerating these mental blocks is an urgent societal necessity, forming the core objective of this research.

Methodology: Conceptually grounded in social phenomenology, which focuses on describing phenomena as perceived by individuals in specific contexts, this study employed a qualitative phenomenological approach. Data was collected through in-depth interviews. The purposively sampled population consisted of young couples without children or with only one child, ensuring diversity in age, education, and socioeconomic status (financial situation and place of residence). Interviews were conducted openly without predetermined questions. Theoretical saturation was achieved after 15 interviews (conducted both in-person and online).

Findings: Analysis of couple interviews revealed significant unresolved mental knots or prevalent beliefs hindering childbearing decisions. These were categorized into five primary thematic areas:

1. **Livelihood-related Knots:** The most prominent concerns involved economic uncertainties and anxieties about future living conditions and providing for children.

2. Upbringing-related Knots: Significant concerns focused on cultural and educational challenges, including blocks related to child-rearing and the perceived societal/family environment.
3. Health-related Knots: Key issues involved blocks and prevalent beliefs concerning reproductive health and the health of mothers and children in contemporary society.
4. Identity-related Knots: Predominantly raised by women, these involved conflicts regarding female identity and the perceived relationship between motherhood and personal progress/achievement.
5. Policy-related Knots: Concerns centered on blocks related to the government's official policies on childbearing and population growth.

Conclusion: While couples expressed a strong desire for one or two children, this choice was approached with significant mental doubt and uncertainty. Concerns about future livelihood, child upbringing, personal health, and comfort were pervasive. Some concerns, particularly those stemming from the country's unfavorable economic conditions (inflation, high prices, unemployment, instability) and political/security issues over the past decade, are objectively justified and heighten anxieties about childbearing. However, a substantial portion of these mental knots appears rooted in a misperception of socio-economic reality. Media narratives and unsubstantiated discourse have amplified perceptual and cognitive errors about actual conditions, meaning feelings about reality often exert a stronger influence on behavior than the reality itself. Addressing both the tangible socio-economic challenges and correcting these widespread perceptual distortions is crucial.

Keywords: Population, Childbearing, Mental Knots, Fertility

How to cite: Eghbali, A. and Khaleghi, A. (2025). Couples' Mental Knots about Having Children and Increasing the Population. *Journal of Family Research*, 21(1), 1-21. doi:10.48308/jfr.2025.238566.1913

✉Corresponding Author Email Address: a.eghbali@alzahra.ac.ir



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

گره‌های ذهنی زوجین درباره فرزندآوری و افزایش جمعیت

ابوالفضل اقبالی^۱، عاطفه خالقی^۲

۱. گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

DOI: [10.48308/jfr.2025.238566.1913](https://doi.org/10.48308/jfr.2025.238566.1913)

چکیده: جمعیت یکی از مهمترین مولفه‌های اقتدار در عرصه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی در جهان محسوب می‌گردد. صرف‌نظر از عوامل و زمینه‌های ساختاری که به نوبه خود سهم مهمی را در فرآیند تغییرات جمعیتی و کاهش باروری در دو دهه گذشته ایفا نموده‌اند، نباید نسبت به سهم عاملیت زوجین در اقدام به فرزندآوری نیز غفلت نمود. به نظر می‌رسد تصمیم به فرزندآوری که یک توافق شخصی میان زوجین است امروزه در سطح خرد و میان‌ذهنی افراد با اختلال مواجه شده است. براین اساس هدف پژوهش حاضر واکاوی و شناسایی گره‌های ذهنی زوجین درباره فرزندآوری و افزایش جمعیت می‌باشد. روش تحقیق در مطالعه پیش رو کیفی و از نوع پدیدارشناسی و تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق با زوجین بدون فرزند یا تک فرزند بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود ابهامات و گره‌های ذهنی زوجین متعدد درباره فرزندآوری و افزایش جمعیت است که در ۵ محور دسته‌بندی شده‌اند. گره‌های ذهنی ناظر به معیشت، گره‌های ذهنی ناظر به تربیت، گره‌های ذهنی ناظر به سلامت، گره‌های ذهنی ناظر به هویت و گره‌های ذهنی ناظر به سیاست. این گره‌های ذهنی یکی از مهمترین عوامل احتیاط زوجین در تصمیم به فرزندآوری هستند.

کلیدواژه‌ها: جمعیت؛ فرزندآوری، گره‌های ذهنی، باروری

استناد به این مقاله: اقبالی، ابوالفضل و خالقی، عاطفه (۱۴۰۴). گره‌های ذهنی زوجین درباره فرزندآوری و افزایش جمعیت. خانواده‌پژوهی،

doi: 10.48308/jfr.2025.238566.1913. ۱-۲۱. (۱۳۱)

✉ نویسنده مسئول: a.eghbali@alzahra.ac.ir

بیان مساله و ضرورت

جمعیت یکی از مهمترین مولفه‌های اقتدار در عرصه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی در جهان محسوب می‌گردد که از دیرباز مورد توجه سیاست‌گذاران و حاکمان جوامع بوده است. در نگاه اسلامی نیز بر ضرورت توجه و اهتمام به ازدیاد نسل و فرزندآوری تاکیدات فراوانی صورت گرفته و پیامبر گرامی اسلام (ص) کثرت فرزندان در جامعه اسلامی را مایه مباهات خوانده است (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰، ص ۲۲۰). متأسفانه تغییرات اجتماعی در دنیای مدرن به ویژه در عرصه‌های فرهنگی و سبک زندگی باعث بروز تحول اساسی در ساختار جمعیتی جهان و به تبع آن کشور ما گردیده و عرصه را برای فرزندآوری مضیق نموده است. براساس سرشماری اخیر، جمعیت ایران از تعداد ۷۵/۱۴۹/۶۶۹ نفر در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۸۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ رسید که در ظاهر حاکی از روند افزایش نرخ جمعیت دارد. اما با بررسی دقیق و نگاه عمیق‌تر به آمارهای جمعیتی در دهه‌های اخیر، ابعاد دیگری از مساله جمعیت برای ما روشن خواهد شد.

اولین و مهمترین وجه نگرانی و مساله‌بودگی جمعیت کشور ناظر به نرخ باروری است که با اجرای برنامه جامع کنترل جمعیت و قانون تنظیم خانواده، روند کاهشی به خود گرفته و از نرخ ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ به نرخ ۱/۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۸ سقوط کرده و این روند نزولی همچنان ادامه دارد. در حالی که برای ثابت ماندن جمعیت کشور (و نه حتی افزایش آن) باید نرخ فرزندآوری ۲/۱ یعنی سطح جانشینی باشد. و نیز نرخ رشد جمعیت کشور از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل پیدا کرد و تا پایان سال ۱۳۹۸ نرخ رشد جمعیت کشور برای نخستین بار در تاریخ ایران به کمتر از ۱ درصد سقوط کرده است. بدیهی است با تداوم روند کنونی در حدود سال‌های ۱۴۲۰ نرخ رشد جمعیت کل کشور صفر خواهد شد. پیری جمعیت در ایران با ادامه روند موجود یعنی باروری زیر سطح جانشینی امری اجتناب ناپذیر است. آمارها حاکی از آن هستند که طی حدود بیست سال آینده، نسبت نرخ رشد جمعیت سالمندان به نرخ رشد جمعیت کل کشور، شانزده به یک خواهد بود. بر اساس مقایسه نقشه توزیع سالمندی جهان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۵۰ درمی‌یابیم که ایران تنها طی ۳۰ سال آینده، از یک کشور جوان به یک کشور سالمند قطعی تبدیل خواهد شد. به‌عبارت دیگر در حالیکه در سال ۲۰۲۰ سالمندان بالای ۶۰ سال تنها ۱۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل داده‌اند ولی در نتیجه سرعت پدیده سالمندی جمعیت، در سال ۲۰۵۰ حدود ۳۳ درصد جمعیت کل کشور سالمند خواهد بود. علیرغم اینکه ایران هنوز مسیر پیشرفت تکنولوژیک و پویایی اقتصادی را نپیموده است درصد قابل‌توجهی از جمعیت خود در چرخه کار و تولید را از دست خواهد داد.

صرف‌نظر از عوامل و زمینه‌های ساختاری که به نوبه خود سهم مهمی را در فرآیند تغییرات جمعیتی و کاهش محسوس آن در دو دهه گذشته ایفا نموده‌اند، نباید نسبت به سهم عاملیت زوجین در اقدام به فرزندآوری نیز غفلت نمود. تحولات جمعیتی ایران را نمی‌توان در کوتاه‌مدت و بدون تحول در نظام معنایی اصلاح کرد. تحولات جمعیتی ایران همسو با تحولات جهانی، اما با آهنگی شتابنده‌تر رخ داده است. اگر این تحولات با تغییرات دیگری که دامن‌گیر خانواده ایرانی شده، در کنار هم دیده شوند، بر نگرانی‌ها می‌افزایند. آنچه باید بر آن پافشاری کرد، ضرورت دخالت و مشارکت همگانی مردم در این روند است. مسئله جمعیت، مسئله جامعه‌ای بزرگ است که همه افراد باید نسبت به آن حساس باشند و به این باور برسند که افزایش جمعیت، کامرانی

امروز و شادکامی فردای آنان را به همراه دارد. لذا می‌توان گفت که تا خانواده‌ها به باوری جدید درباره افزایش جمعیت نرسیده‌اند، سیاست‌های تشویقی چندان کارساز نیست (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵).

به نظر می‌رسد تصمیم به فرزندآوری که یک توافق شخصی میان زوجین است و ربط مستقیم با «فرزندخواهی» آنان دارد امروزه در سطح خرد و میان‌ذهنی افراد با اختلال مواجه شده و از مسیر طبیعی خود خارج شده است. به عبارت دیگر امروزه فرزندخواهی و فرزندآوری که یکی از مهمترین اهداف طبیعی و سنتی ازدواج در جهان و ایران بوده است، تحت تاثیر گره‌های ذهنی والدین مورد تردید واقع شده است و زوجین به استناد این مشهورات فرهنگی و رسانه‌ای تصمیم خود برای فرزندآوری را به تعویق انداخته یا محتاطانه اخذ می‌کنند. واکاوی و احصاء این گره‌های ذهنی و مشهورات عرفی نزد زوجین و بسترسازی برای حل آنها ضرورت امروز جامعه ما به شمار می‌رود. براین اساس پژوهش حاضر درصدد شناسایی و احصاء این گره‌ها در ذهن زوجین می‌باشد.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع پژوهش حاضر به صورت خاص تاکنون هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. اما درباره نگرش شهروندان و خانواده‌ها نسبت به فرزندآوری و افزایش جمعیت فعالیت‌های پژوهشی و گزارش آماری توسط افراد و نهادهای مختلف انجام گرفته است. آسیه ارحامی (۱۴۰۱) در گزارش سیاستی تحت عنوان «رصد رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در موضوع فرزندآوری» تلاش نموده سیمای وضعیت فرزندآوری را در کشور به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های سنجش وضعیت جمعیتی کشور مورد بررسی قرار داده تا تصویری روشن از اینکه مردم در حوزه فرزندآوری چه باوری دارند و چگونه رفتار می‌کنند، ارائه دهد. سعیده میرابی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری» اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که پدیدار اجتماعی فرزندآوری شامل تم‌های مرکزی معنای فرزندآوری، تعداد فرزندان ایده‌آل، تعداد فرزندان معقول، ترجیح جنسی فرزند، دلایل فرزندآوری، موانع فرزندآوری، موانع فرزندآوری بیش از حد معقول، نگرانی از فرزندآوری، نگرانی از نداشتن فرزند، تجربه فرزند داشتن، تجربه بارداری، تصور حاملگی، پیروی از الگوی فرزندآوری مادر، دلایل رضایت یا نارضایتی از تعداد فرزندآوری خانواده مبدأ و چگونگی تشویق مادر به فرزندآوری است. فاضلی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تبیین عوامل اجتماعی نگرش به فرزندپذیری» اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که متغیرهای روش زندگی در سلامت معنوی، تحصیلات، سلامت روانی، تعداد فرزند، انسجام در سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، شکوفایی و همبستگی در سلامت اجتماعی، سن، مشارکت، پذیرش و خودکارآمدی سلامت معنوی رابطه معناداری با نگرش به فرزندپذیری دارند. حیدری (۱۴۰۳) طی پژوهشی با موضوع «واکاوی عوامل مؤثر بر میل به فرزندآوری با رویکرد پدیدارشناسی» به این نتیجه می‌رسد که مضامینی همچون اقتصادی، فردی و روانشناختی، به ترتیب دارای اولویت بودند. برحسب فراوانی نیز، بیشترین فراوانی مربوط به مشکلات اقتصادی در خوشه موانع دولتی، مشکلات معیشتی در خوشه جامعه، اجاره بها در خوشه مسکن، شاغل بودن مادر و امنیت شغلی زوجین در خوشه اشتغال، افزایش سن در خوشه سن، نگرش منفی در خوشه مدرنیته و عدم مسئولیت‌پذیری در خوشه پذیرش نقش خود به عنوان پدر و مادر، بوده است. تقوایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تأثیر آن بر نگرش آن‌ها نسبت به باروری» به این جمع‌بندی می‌رسد که

که متغیر مستقل این تحقیق یعنی مدیریت بدن (مدیریت ظاهر بدن و تناسب اندام) بر نگرش زنان نسبت به باروری موثر است. عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران» به این نتیجه می‌رسد که از میان متغیرهای ارزشی - نگرشی، برابری جنسیتی و دینداری بیشترین تأثیر را بر ایده‌آل فرزندآوری دارند، به گونه‌ای که با کنترل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، نگرش به برابری جنسیتی و دینداری تأثیر معناداری بر ترجیحات فرزندآوری افراد داشته‌اند. رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان «جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری» اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که بین جهت‌گیری ارزشی با نگرش به کنترل باروری و رفتار آن، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و هر چه زنان فردگراتر باشند، به کنترل باروری گرایش بیشتری داشته و در عمل نیز بیشتر به کنترل باروری می‌پردازند؛ بالعکس هر چه جمع‌گراتر باشند، گرایش و رفتار باروری یا فرزندآوری در آنها افزایش می‌یابد. همچنین نیازی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران» با روش فراتحلیل به شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری خانواده در مطالعات ایرانی پرداخته و عوامل متعددی را احصاء نموده است. با عنایت به پیشینه موجود می‌توان گفت وجه نوآورانه پژوهش حاضر این است که این مطالعه سعی دارد تا با ارائه تصویری کامل و ذواباد از آنچه که در اذهان جامعه پیرامون فرزندآوری و افزایش جمعیت وجود دارد، تحلیل عمیق‌تر و مبتنی بر نقش و عاملیت زوجین نسبت به تغییرات نرخ باروری در کشور ارائه دهد.

چارچوب مفهومی پژوهش

مطالعه حاضر به لحاظ مفهومی مبتنی بر ایده پدیدارشناسی در علوم اجتماعی است. مطالعات رویکرد پدیدارشناسی در جامعه‌شناسی معطوف به تبیین نحوه ساخت‌یابی اجتماعی واقعیت است. گفتگو درباره روش‌های ایجاد و حفظ نظم اجتماعی از رهگذر تعاملات روزمره مهمترین مساله پدیدارشناسان است. مدعای اصلی پدیدارشناسی آن است که جهان اجتماعی ما محصول آگاهی و ذهنیت‌های ماست و واقعیت انضمامی بیرونی نیز از طریق آگاهی ما معنا می‌یابد (کرایب^۱، ۱۳۸۱: ۱۲۴). پدیدارشناسی درصدد شناخت جهان از رهگذر درک و ذهن انسان‌هاست و براین باور است که دانش اطمینان‌آور درباره پدیده‌های اجتماعی دانشی است که از طریق تجربه ذهن، فکر و احساس حاصل گردد. با این تعریف، پدیدارشناسی تلاشی منظم برای درک و فهم عمیق تجربه است بدون آنکه در پی تعمیم یافته‌های خود باشد. به عبارت دیگر پدیدارشناسی نمی‌خواهد معیارهای عینی انعطاف‌ناپذیر و صلب را بر پدیدارها تحمیل نماید و سودای فهم ژرف و عمیق از معانی پدیدارها را دارد (واگل^۲: ۱۸). همانطور که درباره یک شعر هرگز نمی‌توان آن را بدون لطمه به معنای آن، تلخیص کرد، در پژوهش پدیدارشناسانه نیز نمی‌توان دست به تعمیم و خلاصه‌سازی زد بی‌آنکه خللی در معنای پدیدار ایجاد کرد (ون مانن^۳: ۲۰۰۱).

هدف از مطالعه پدیدارشناختی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌هاست، به نحوی که در شرایطی خاص توسط انسان درک می‌گردد (وندروستوپ^۴: ۲۰۰۹) در واقع پدیدارشناسی هم توضیح ذهن است و هم تفسیر محتوا و موضوع ذهن. خواه آن موضوع وجود واقعی داشته و موافق با دنیای خارج باشد و خواه وجود واقعی نداشته و موافق با دنیای خارج نباشد (میلر^۵ و بریور^۶، ۲۰۰۳: ۲۲۷) این توضیح و تفسیر از رهگذر خوانش عمیق تجارب زیسته و دیدگاه‌های مردم نسبت به واقعیت روزمره اتفاق افتاده و واقعیت اجتماعی از زاویه تجربه زیسته افراد

تبیین می‌گردد (یانوا^۷ و شوارتز-شی^۸: ۲۰۰۶) به طور کلی می‌توان گفت مفروضات تحت پژوهش پدیدارشناسی عبارت است از اینکه فرایند پیچیده‌ای از پدیده‌ها ویژگی‌های شخصی و رفتارهای افراد مرتبط با پدیده مورد نظر و هر نوع مفاهیم دیگری در خصوص آن را می‌توان از راه تحلیل تجارب زندگی بهتر فهم نمود؛ و به نوعی بینش از طریق داده‌های گردآوری شده از مشارکت کنندگان در تحقیق دست یافت. محققان امید دارند تا این گونه خاص از تحقیق بتواند دانشی توانمند و بومی در باب چیرستی پدیده مورد مطالعه فراهم نماید (نقیب‌زاده و فاضلی: ۱۳۸۵ به نقل از اعرابی و بودلایی: ۱۳۹۰).

پیش‌فرض اساسی و بنیادین پدیدارشناسی این است که جهان اجتماعی امری مصنوع و ساخته ذهن تک تک افراد و انسان‌هاست که از رهگذر کاربست زبان مشترک و سایر نظام‌های معنایی معطوف به زندگی روزمره ایجاد و ممکن می‌گردد و یا امکان تداوم پیدا می‌کند و اساساً فراتر از آگاهی ذهنی افراد درباره پیرامون خود، هیچ واقعیت انضمامی معنادار نیست. لذا جهان اجتماعی ماهیتی ناملموس داشته و طی روند مداومی از تثبیت دوباره یا تغییر قرار دارد (بوریل^۹ و مورگان^{۱۰}: ۱۳۸۶: ۳۵۱). استراتژی تحقیق پدیدارشناسی به عنوان رویکردی انسان‌مدار، اهمیت زیادی به آزادی انسان، تجربه با معنا و آگاهی او می‌دهد. این دیدگاه ضمن دفاع از اختیار به جای جبر، معتقد است که آگاهی انسان در مقایسه با دیگر عوامل اجتماعی تاثیر بیشتری بر کنش اجتماعی او دارد (ایمان: ۱۳۸۷ به نقل از اعرابی و بودلایی: ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناختی در زمره تحقیقات کیفی قرار داشته و در قلمرو مطالعات پدیدارشناختی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر مطالعه پیش رو هم به لحاظ مبانی نظری و هم در ساحت روش‌شناختی یک تحقیق پدیدارشناسانه محسوب می‌شود زیرا پدیدارشناسی هم می‌تواند به عنوان یک استراتژی تحقیق به کار رود (موستاکاس^{۱۱}: ۱۹۹۴ و پلینگورن^{۱۲}: ۱۹۸۹) و هم در جایگاه چارچوب نظری پژوهش قرار گیرد (راپورت^{۱۳}: ۲۰۰۶). تکنیک و ابزار مورد استفاده تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق بوده است. مصاحبه عمیق نوعی از مصاحبه فردی و بدون ساختار است که تلاش می‌کند تا نظرات، عقاید، احساسات و نیازهای مخاطب را به‌درستی بشناسد. جامعه آماری این پژوهش زوجین جوان بدون فرزند یا تک فرزند بوده و نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند اتفاق افتاده است و در فرآیند انتخاب نمونه سعی شد تا تنوع سنی، تحصیلی و طبقه‌ای (وضعیت مالی و محل سکونت) مدنظر قرار گیرد. مصاحبه‌ها به صورت باز و بدون سوالات از پیش تعیین شده صورت گرفت و در نهایت پس از انجام ۱۵ مصاحبه عمیق (حضور و آنلاین) محقق به اشباع نظری دست پیدا کرد. در ادامه ویژگی‌های عمومی نمونه پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های عمومی مصاحبه‌شوندگان

زوجین	سن		تحصیلات		محل سکونت	وضعیت مالی
	مرد	زن	مرد	زن		
زوج اول	۲۷	۲۵	کارشناسی	کارشناسی	البرز	متوسط
زوج دوم	۳۱	۲۸	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تهران	خوب
زوج سوم	۲۳	۲۲	دانشجو	دانشجو	تهران	متوسط
زوج چهارم	۲۶	۲۶	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	تبریز	خوب

زوجین	سن		تحصیلات		محل سکونت	وضعیت مالی
	مرد	زن	مرد	زن		
زوج پنجم	۴۵	۳۹	کارشناسی	کارشناسی	تهران	متوسط
زوج ششم	۳۷	۳۱	دیپلم	دیپلم	قزوین	ضعیف
زوج هفتم	۲۳	۱۹	کارشناسی	دانشجو	شیراز	متوسط
زوج هشتم	۲۳	۲۱	کارشناسی	دیپلم	البرز	خوب
زوج نهم	۴۱	۳۶	دکتری	کارشناسی ارشد	تهران	خوب
زوج دهم	۳۳	۳۲	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	اصفهان	متوسط
زوج یازدهم	۳۵	۲۸	کارشناسی	دیپلم	مشهد	ضعیف
زوج دوازدهم	۲۹	۲۸	دیپلم	دیپلم	مشهد	متوسط
زوج سیزدهم	۲۴	۲۰	دانشجو	دانشجو	مازندران	ضعیف
زوج چهاردهم	۳۳	۳۰	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تهران	خوب
زوج پانزدهم	۱۹	۱۸	دانشجو	دیپلم	البرز	متوسط

یافته‌ها

نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده با زوجین پیرامون فرزندآوری و افزایش جمعیت حاکی از وجود گره‌های ذهنی حل نشده و یا مشهوراتی بود که زوجین درباره فرزندآوری مطرح می‌کردند. گزاره‌ها و مضامین متکثر و متعددی در میان صحبت‌های زوجین و مصاحبه شوندگان وجود داشت. اما در یک دسته‌بندی کلان می‌توان عمده آنها را در ۵ بخش موضوعی زیر دسته‌بندی نمود.

الف) گره‌های ذهنی ناظر به معیشت

ب) گره‌های ذهنی ناظر به تربیت

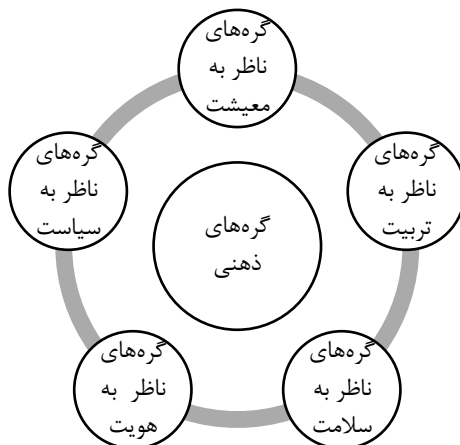
ج) گره‌های ذهنی ناظر به سلامت

د) گره‌های ذهنی ناظر به هویت

د) گره‌های ذهنی ناظر به سیاست

نکته حائز اهمیت در مصاحبه با زوجین این بود که گره‌های مطرح شده توسط آقایان بیشتر ناظر به جنبه‌های اقتصادی و سیاسی بود و گره‌های مطرح شده درباره تربیت فرزند، سلامت و هویت غالباً از سوی خانم‌ها صورت می‌گرفت. اما در نهایت به دلیل همراهی هر دو با آن گره مطرح شده، گویه‌ها از زبان زوجین نقل شده است.

نمودار شماره ۱. دسته‌بندی گره‌های ذهنی زوجین نسبت به فرزندآوری

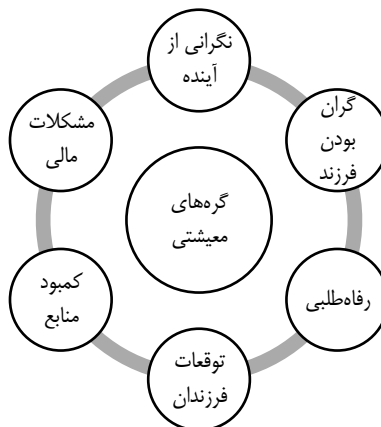


الف) گره‌های ذهنی ناظر به معیشت

اولین و مهمترین دغدغه‌های مشترک زوجین سخنانی بود که پیرامون شرایط کنونی جامعه مطرح می‌شد و این گره‌ها شامل ابهامات یا مشهورات ذهنی بود که جنس اقتصادی و معیشتی داشت و حاکی از نگرانی زوجین نسبت به آینده زندگی خود و فرزندشان بود. یکی از زوجین اظهار می‌داشتند: «در شرایط اقتصادی کنونی فرزندآوری تصمیم به‌صرفه‌ای نیست و تامین هزینه‌های مربوط به باروری، زایمان، سیسمونی و... در توان مردم و خانواده‌ها نیست. وضعیت معیشتی مردم طوری شده که زن و شوهر از عهده مخارج خودشان هم بر نمی‌آیند تا چه برسد به یک یا دو فرزند هم اضافه شود.» یا یکی دیگر از زوجین درباره نگرانی خود نسبت به آینده فرزندان اظهار می‌کند که: «تامین آینده چند فرزند کار بسیار سخت و نزدیک به محال است. ما خیلی هنر داشته باشیم آتیه یک فرزند را بتوانیم تامین کنیم. با وضعیتی که به لحاظ مدیریتی در کشور شاهد بوده و هستیم به نظر می‌رسد آینده شغلی و حرفه‌ای نسل جدید در ایران مبهم و بلکه سیاه به نظر می‌رسد. فرزندآوری بدون کسب اطمینان نسبت به آینده بچه در این شرایط بی‌ثباتی اقتصادی کشور حماقت است. من هر موقع آتیه فرزندم را تامین و تضمین کردم آن وقت بچه می‌آورم.» همچنین زوج دیگری درباره روحیات و انتظارات نسل جدید فرزندان می‌گویند: «فرزندان امروز و به طور کلی نسل جدید بسیار پرتوقع و آسایش طلب هستند و برآورده کردن انتظارات آنها برای والدین در شرایط امروز بسیار سخت است. الان دیگه هر کدام از بچه‌ها اتاق جداگانه می‌خواهند چون هر کدام وسایل و اسباب و اثاث مختص به خود را دارند. اما ما شرایط تهیه خانه سه خوابه را نداریم. الان هم خانه ما کوچک است و فضای اختصاصی برای بچه نداریم. لذا مجبوریم تا فراهم کردن یک خانه بزرگتر و دارای حداقل دو اتاق خواب، فرزندآوری را به تعویق بیندازیم.» یکی دیگر از زوج‌های مصاحبه شونده درباره نگرانی‌های معیشتی خود اینگونه استدلال می‌کند که: «منابع طبیعی اعم از آب، خاک، غذا و... در جهان و ایران کفاف افزایش جمعیت را نمی‌دهد و جمعیت زیاد در چنین وضعیتی بحران‌های زیادی را برای کشور ایجاد می‌کند. اصلاً چه کسی گفته که افزایش جمعیت باعث تقویت اقتصاد

کشور می‌شود؟ تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که اتفاقاً رشد اقتصادی آنها با کاهش جمعیت همراه بوده است.» زوج دیگری درباره لزوم رفاه به عنوان مقدمه فرزنددار شدن چنین می‌گویند: «حداقل‌های رفاه نسبی داشتن یک خانه و یک ماشین است. الان اگر بچه‌دار شویم با توجه به مخارجی که دارد دیگر امکان پس‌انداز برای خرید خانه و ماشین را نداریم. من می‌خواهم فرزندم در رفاه بزرگ شود. افزایش تعداد فرزندان باعث تقسیم امکانات بین آنها می‌شود و رفاه آنها را به چالش می‌کشد.» زوج دیگری درباره مسئولیت حاکمیت در حمایت از دغدغه‌های معیشتی مردم معتقدند که: «چرا تمام بار افزایش جمعیت کشور باید بر روی دوش مردم باشد در حالی که در این مملکت هیچگونه حمایتی از فرزندآوری توسط دولت صورت نمی‌گیرد. وضعیت معیشتی زندگی مردم اگر درست شود نیازی به تبلیغ جمعیت و فرزندآوری نیست. پس حکومت بهتر است به جای این همه تبلیغات جمعیت، معیشت مردم را درست کند.» برخی نیز شرایط و تجربه زیسته خود را ملاک تصمیم‌شان درباره داشتن فرزند دوم و سوم اعلام می‌کردند و می‌گفتند: «من خودم در یک خانواده پرجمعیت بزرگ شدم و اوضاع معیشتی خوبی نداشتم. نمی‌خواهم فرزندم تجربه مرا داشته باشد و کمبودهای من در زندگی را تجربه کند.» زوج دیگری ترجیح آرامش و تجربه‌های شیرین دونفره خود را بهانه تعویق فرزندآوری می‌کردند و اظهار می‌داشتند: «ما هنوز لذت زندگی دو نفره را نچشیدیم. کلی برنامه برای مسافرت و تفریحات دونفره داریم که اگر بچه بیاید جلوی دست و پای ما را می‌بندد و مانع لذت بردن ما از زندگی خواهد شد.» زوج دیگری عدم توان مالی خانواده دختر در خرید سیسمونی را دلیل تعویق فرزندآوری ذکر کرده و خانم بیان داشت که: «خانواده من الان امکان خرید سیسمونی بچه در حد انتظارات خانواده شوهرم را ندارند و ما فعلاً مجبوریم فرزندآوری را به تعویق بیندازیم.» خانم دیگری لزوم اشتغال خود را به عنوان مانع فرزندآوری ذکر کرد و گفت: «اگر من به عنوان خانم خونه سرکار نروم با وضعیت اقتصادی امروز نمی‌توانیم با حقوق شوهرم زندگی را اداره کنیم. لذا مجبورم کار کنم و بچه مانع کار کردن من می‌شود.»

نمودار شماره ۲. دسته‌بندی گره‌های ذهنی معیشتی زوجین نسبت به فرزندآوری

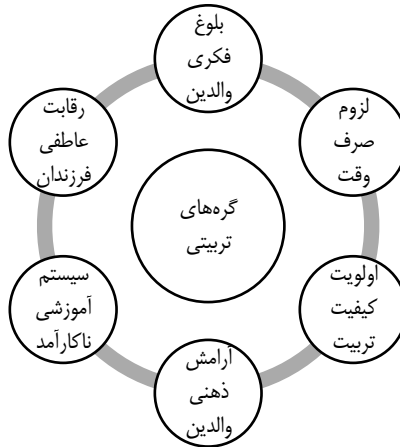


ب) گره‌های ذهنی ناظر به تربیت

دغدغه مهم و پرتکرار دیگر نزد زوجین از جنس فرهنگی و تربیتی بود و شامل گره‌ها، ابهامات و مشهوراتی بود که ناظر به تربیت فرزند و مناسبات فرهنگی و آموزشی خانواده و جامعه بودند. یکی از زوج‌های مصاحبه‌شونده اظهار می‌داشت: «از قدیم گفته‌اند تربیت فرزند از خود فرزند مهمتر است. افزایش تعداد بچه قطعاً کیفیت تربیت آنها را کاهش می‌دهد. یک بچه باکیفیت بهتر از چند بچه بدون کیفیت تربیتی است.» زوج دیگری لزوم صرف زمان بیشتر برای فرزندان بیشتر را به عنوان بهانه خود مطرح کرده و بیان می‌داشتند: «من و همسر به دلیل مشغله‌های زیادی که داریم فرصت رسیدگی به تربیت همین یک بچه را هم نداریم. غالباً مجبوریم بچه را به مادر بزرگ بسپاریم که تربیت آنها نیز قدیمی است. فرزندان بیشتر طبیعتاً فرصت رسیدگی بیشتری برای تربیت، تفریح و... نیاز دارند که ما فعلاً در رسیدگی به امور فرزند اول هم با مشکل مواجه هستیم.» یکی از زوج‌های مصاحبه‌شونده درباره نگرانی خود نسبت به سیستم آموزشی کشور اظهار می‌دارد که: «امکانات آموزشی و تربیتی کشور کفاف جمعیت زیاد را نمی‌دهد. هزینه آموزش بچه (کلاس زبان، مدرسه غیرانتفاعی و...) در ایران گران و سرسام‌آور است. در مدرسه دولتی هم که این چیزها را به بچه یاد نمی‌دهند. مدارس دولتی مملو از دانش‌آموز است و معلم زمان و انرژی کافی برای رسیدگی به امور آنها را ندارد. سیستم آموزشی و تربیتی کشور به شدت فشل و ناکارآمد است. من چگونه می‌توانم به این سیستم قدیمی و فرسوده اطمینان کنم و فرزندم را به آن بسپارم؟» زوج دیگری نسبت به عدم آمادگی والدین برای پذیرش مسئولیت تربیت فرزندان اظهار می‌دارد که: «تربیت بچه منوط به رشد و بلوغ فکری و اخلاقی والدین است. وقتی ما خودمان هنوز بچه هستیم و به بلوغ فکری نرسیدیم قطعاً از پس تربیت یکی دیگه بر نمی‌ایم. دعوای و مشاجره‌های زن و شوهر روی تربیت فرزند اثر منفی بسیاری دارد. لذا تا وقتی اختلافات زن و شوهری ما کاملاً مرتفع نشود بچه نمی‌آوریم. کلاً شرایط طوری شده که در همه خانواده‌ها زن و شوهر به اندازه کافی درگیر مسائل زندگی و مشغله‌های خود هستند و اعصاب سر و کله زدن با بچه را ندارند. تربیت صحیح بچه نیاز به آرامش و دل خوش دارد که امروزه والدین ندارند.» زوج دیگری معتقد بودند: «مگر ما که این همه خواهر و برادر داشتیم به درد هم خوردیم یا گره‌ای از کار هم باز کردیم که با چنین امیدی برای فرزندمان خواهر و برادر بیاوریم؟ حقیقتاً وقتی به گذشته می‌نگرم و رفتار خودمان با پدر و مادر را می‌بینم به این فکر می‌کنم که ما خودمان چه گلی به سر پدر و مادرمان زدیم که بچه‌هایمان سر ما بزنند؟» زوج دیگری علیرغم تمایل خود به داشتن فرزند سوم و چهارم، اما نگاه جامعه و اطرافیان را مانع این تصمیم تلقی کرده و اظهار می‌کنند: «من و همسر به شدت علاقمند فرزند سوم هستیم اما در محیط پیرامون ما به خصوص در میان فامیل همسر، فرزند سوم یک نوع بی‌کلاسی تلقی می‌شود. اصلاً فرهنگ و عرف امروز جامعه ما به کسی که سه یا چهار بچه دارد نگاه خوبی ندارد و برجسب‌هایی چون حمایت از حکومت، گدایی یارانه و تسهیلات و... می‌زنند.» زوج دیگری ترس از کمرنگ شدن توجه و علاقه به یکدیگر را بهانه می‌کنند و می‌گویند: «من و همسر به معنای واقعی کلمه عاشق یکدیگر هستیم و به یکدیگر توجه داریم. نگران این هستیم که اگر بچه وارد زندگی ما شود، عشق و توجه ما نسبت به یکدیگر کمتر شود.» زوج دیگری همین دغدغه را نسبت به کمرنگ شدن محبت خود به فرزند اول در صورت آمدن فرزند دوم مطرح می‌کنند: «فکر می‌کنم فاصله کم بین بچه‌ها ظلم به آنهاست، بچه زیر ۷ سال باید طبق روایات پادشاهی کند و وجود یک بچه دیگر باعث کم شدن محبتم نسبت به اولی می‌شود.» زوج دیگری به

سختی تربیت فرزند و سالم نگهداشتن او در شرایط کنونی جامعه اشاره می‌کنند و می‌گویند: «شرایط فرهنگی جامعه ما بسیار ناسالم و ناامن است و اگر شش‌دانگ حواس والدین به فرزندشان نباشد ممکن است او دچار انحراف شود. این نگرانی مانع فرزندآوری ما شده است.»

نمودار شماره ۳. دسته‌بندی گره‌های ذهنی تربیتی زوجین نسبت به فرزندآوری

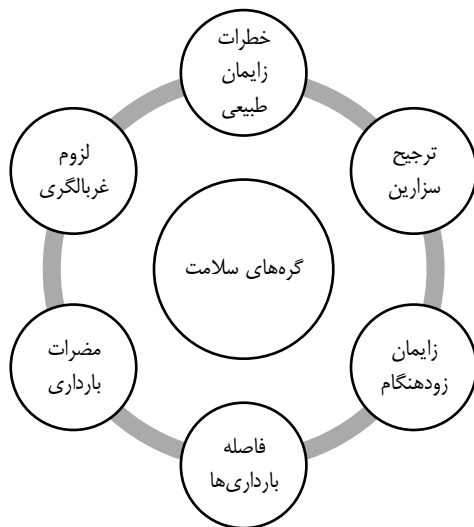


ج) گره‌های ذهنی ناظر به سلامت

دسته سوم از مسائل و چالش‌های ذهنی زوجین از جنس موضوعات درمانی و سلامتی بود و شامل گره‌ها و مشهوراتی می‌شد که درباره بهداشت باروری و سلامت مادر و فرزند در جامعه امروز مطرح می‌شوند. یکی از زوجین مصاحبه شونده اظهار می‌کند: «زایمان طبیعی به شدت خطرناک است و احتمال مرگ مادر و بچه در این زایمان بالاست. اصلاً زایمان طبیعی کار حیوان است. در دنیای مدرن با این همه پیشرفت‌های علمی و فناوری تحمل این همه درد زنان برای زایمان بی‌معناست. اما سزارین بهتر، راحت‌تر و امن‌تر از زایمان طبیعی است». یکی دیگر از زوجین مصاحبه شونده اظهار می‌دارد که: «برای بسیاری از زنان امروزه زیبایی ظاهر و تناسب اندام بسیار مهم است و چون بارداری، زایمان و شیردهی تناسب اندام زنانه و زیبایی ظاهر بدن را برهم می‌زند، خانم‌ها به دونه بچه رو هم به زور می‌آورند». زوج دیگری بر مخاطرات زایمان‌های مکرر یا زودهنگام تاکید داشته و بیان می‌دارند که: «علم پزشکی معتقد است که اولاً بارداری زیر ۲۵ سال و بالای ۳۵ سال پرریسک و خطرناک است و باعث افزایش احتمال سندروم‌های مختلف برای فرزند یا تهدیدات جدی برای سلامت مادر می‌شود. همچنین باید بین زایمان‌های یک زن بین ۳ تا ۵ سال فاصله وجود داشته باشد». یکی دیگر از زوجین مصاحبه شونده درباره علت عدم تمایل به داشتن فرزند دوم اینگونه اظهار می‌دارد که: «من زایمان اولم سزارین بوده است و تجربه بدی از دردهای بعد از بیهوشی داشتم و دیگه به هیچوجه حاضر به تجربه دردهای زایمان سزارین نیستم. دکتر هم گفته خیلی بعیده خانمی که بار اول سزارین داشته بتونه بار

دوم طبیعی زایمان بکنه». خانم دیگری در مصاحبه اینگونه اظهار می‌دارد که «بارداری و زایمان باعث تحلیل قوای جسمی زن و پوکی استخوان می‌شود».

نمودار شماره ۴. دسته‌بندی گره‌های ذهنی سلامتی زوجین نسبت به فرزندآوری

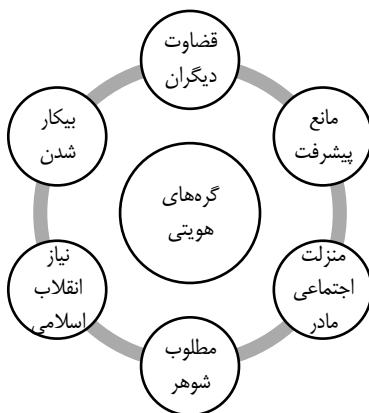


د) گره‌های ذهنی ناظر به هویت

دسته دیگر از موضوعات پرتکرار در گفتگوهای انجام شده مباحث هویتی بود و ناظر به گره‌های ذهنی می‌شد که زنان درباره هویت زن و نسبت مادری با پیشرفت داشتند. این دغدغه‌ها غالباً توسط خانم‌ها مطرح می‌شد. یکی از خانم‌های مصاحبه شونده می‌گوید: «من به عنوان یک زن حق دارم پیشرفت کنم. درس بخوانم. اشتغال و درآمد داشته باشم. اما مادری باعث می‌شود که از پیشرفت فردی خود عقب بمانم». خانم دیگری در دغدغه تقریباً مشابه چنین اظهار می‌دارد که: «مادری و بچه بزرگ کردن مانع از کسب استقلال توسط زنان خواهد شد زیرا زنی که تمام زمان خود را صرف مدیریت فرزندان می‌کند در امور مالی وابسته به شوهر است». یکی دیگر از خانم‌ها در مصاحبه اینگونه اظهار می‌کند: «زنی که صبح تا شب درگیر امور خانه و فرزندان است و به اصطلاح عامیانه بوی پیازداغ و قرمه سبزی می‌دهد، دیگر برای شوهرش جذابیت ندارد». یکی دیگر از خانم‌های مصاحبه شونده درباره عدم امنیت شغلی مادران این چنین اظهار نظر می‌کنند: «من علاقه به فرزندآوری دارم اما محل کارم با مرخصی زایمان موافقت نمی‌کنند. تازه اگر هم موافقت کنند جایگاه مرا به فرد دیگری واگذار می‌کنند. من هم به این شغل نیاز دارم و نمی‌توانم آن را به خاطر بچه از دست بدهم». یکی دیگر از خانم‌ها در گفتاری مشابه می‌گوید: «چندتا بچه آوردن به معنای ده سال خانه‌نشینی زن است و ده سال دوری از جامعه عملاً باعث حذف زن از زندگی حرفه‌ای و فعالیت اجتماعی می‌شود». یکی از خانم‌ها معتقد است: «انقلاب اسلامی به ظرفیت زنان نیاز دارد و ما باید در عرصه‌های اجتماعی فعال باشیم. مادری کردن مانع این فعالیت‌ها خواهد بود. رهبران انقلاب اسلامی به ما یاد دادند که مادری و خانه‌داری به خودی خود اصالتی

ندارند. مهم آن است که ما بانوان به تکلیف انقلابی خود عمل کنیم». خانم دیگری از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌دارد: فرزندان زیاد و زایمان‌های متعدد مال نسل‌های قبل یا خانواده‌های فقیر و بی‌سواد است که زنان ارزش و جایگاه خود را نمی‌دانند و امروز زنان تحصیلکرده فهمیده‌اند که ماشین جوجه‌کشی نیستند. اصلاً مادری، شیردهی، پخت و پز، بشور و بساب، رُفت و روب، مراقبت و... همگی رفتارهای ماقبل مدرن هستند و به نوعی اُمَل‌بازی محسوب می‌گردند». خانم دیگری در گفتاری تقریباً شبیه به این مضمون می‌گوید: «زنانی که هیچ هنری ندارند و هیچ کاری از عهده آنها برنمی‌آید مجبورند تند تند بچه بیاورند تا اینگونه کمبودهای خود را بپوشانند. وگرنه زنان تحصیلکرده و فعال و موثر در جامعه که نیازی به اثبات خود با زایمان ندارند». یکی دیگر از خانم‌ها فقدان جایگاه و منزلت اجتماعی و حقوقی زنان و مادران را به عنوان مانع فرزندآوری مطرح می‌کند و اظهار می‌دارد: «خیلی از خانم‌های دور و اطراف من معتقدند وقتی اسم پدر در شناسنامه بچه درج می‌شود و آنها حتی حق افتتاح یک حساب بانکی برای فرزندشان را طبق قانون ندارند چرا باید زحمت بارداری و بزرگ کردن بچه را به دوش بکشند؟ هیچکدام از فعالیت‌هایی که زن در خانه انجام می‌دهد اعم از مادری، خانه‌داری و... اجر و قرب ندارند زیرا به آنها دستمزد تعلق نمی‌گیرد. اصلاً زن خانه‌دار در این مملکت حتی از داشتن یک بیمه ساده هم محروم است. آن وقت چطور انتظار دارید پشت سر هم بچه بیاورد؟». یکی دیگر از خانم‌های مصاحبه‌شونده می‌گوید: «رسیدگی به فرزند نوزاد اعم از شیردهی و... یعنی پابند بچه شدن. مادری که به بچه شیر می‌دهد دیگر به هیچ یک از کارهای خود نمیرسد. واقعا اگر می‌دانستید رسیدگی به امور بچه (تغذیه، سلامت، بهداشت، تربیت، پوشاک و...) چقدر سخت است دیگر به هیچ زنی حرف از بچه دوم نمی‌زدید!» یکی از زوجین اظهار می‌دارند که: «ما تصمیم داریم ابتدا تحصیلات عالیه خود را به اتمام برسانیم و کار مورد علاقه‌مان را راه بیندازیم و بعد سر فرصت بچه‌دار شویم. بچه که بیاد مانع پیشرفت ما در زندگی حرفه‌ای و تحصیلی خواهد شد». یکی دیگر از خانم‌ها در مصاحبه اظهار می‌دارد: «من در رسیدگی به امور فرزند اول کاملاً دست تنها بودم و همسرم مرا همراهی نکرد. دیگر حاضر نیستم سختی‌های بارداری و نگهداری از یک فرزند دیگر را تجربه کنم». مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «بدن زن حق اوست و سقط جنین یک انتخاب در دایره حق زن است. لذا هر زنی می‌تواند با اختیار خودش تصمیم بگیرد که جنین را نگهدارد یا سقط کند».

نمودار شماره ۵. دسته‌بندی گره‌های ذهنی هویتی زوجین نسبت به فرزندآوری

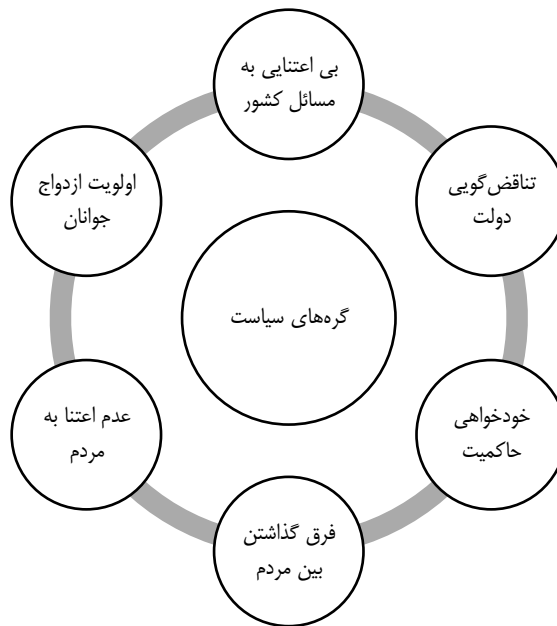


م) گره‌های ذهنی ناظر به سیاست

در نهایت دسته دیگری که در گفتگوهای انجام شده وجود داشت گره‌های ناظر به سیاست رسمی کشور پیرامون فرزندآوری و افزایش جمعیت بود. یکی از زوجین مصاحبه شونده معتقد بودند: «جمهوری اسلامی خوب می‌داند که جمعیت زیاد یکی از مولفه‌های قدرت هر کشوری محسوب می‌شود. لذا می‌خواهد با افزایش جمعیت اقتدار خود را افزایش دهد. جمعیت زیاد به نفع سیاست‌های جمهوری اسلامی است. مردم با فرزندآوری خود مهر تاییدی بر این نظام و سیاست‌های ناکارآمد آن می‌زنند». زوج دیگری در گفتاری نسبتاً مشابه می‌گوید: «نگاه حکومت به زنان و موالیدشان کاملاً ابزاری‌ست. فقط می‌خواهد جمعیت را افزایش دهد که کسب اقتدار بین‌المللی کند. کاری به سلامت و معیشت مادر و فرزند ندارد». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان معتقد است: «اوضاع کشور ثبات و آرامش ندارد و هر روز یک بحران سیاسی و اجتماعی در این کشور در حال وقوع است. لذا نمی‌توان در چنین شرایطی فرزندآوری کرد. فرزندآوری دلخوشی می‌خواهد. ما که در این کشور هرروز یا هزاران مشکل دست و پنجه نرم می‌کنیم دیگر دل و دماغی برای فرزندآوری نداریم». زوج دیگری در مصاحبه اظهار می‌دارند: «آینده اقتصادی کشور به ما چه ربطی دارد؟ ما حتی اگر مشکلات اقتصادی زندگی خودمان را هم بتوانیم حل کنیم، آینده اقتصادی فرزندمان را با این حکومت معامله نمی‌کنیم. برای همین هم اگر یک روز بخواهیم بچه‌دار شویم می‌گذاریم برای وقتی که از ایران رفتیم. در ایران زندگی بچه ما تباه خواهد شد». فرد دیگری در گفتاری مشابه می‌گویند: «برای من لذت و آرامش و رفاه شخصی مهم است. منافع کشور و یا بحران‌های آینده مملکت به من چه ربطی دارد که بخواهم سختی بچه را تحمل کنم؟». یکی دیگر از زوجین در گفتگو اینگونه اظهار داشتند که: «کاملاً درست است که افزایش جمعیت جوان باعث رونق اقتصادی کشور می‌شود. اما نه با مسئولان بی‌تدبیر و مدیریت فشل. حکومت با این همه جوان دهه شصتی چه کار کرد؟ توانست برنامه‌ای برای استفاده از این همه ظرفیت ایجاد کند؟ فقط ما را به خاک سیاه نشاند». زوج دیگری لزوم توجه به اولویت ازدواج مجردین را مطرح کرده و می‌گویند: «وقتی این همه جوان مجرد در کشور وجود دارد چگونه می‌توان دنبال افزایش جمعیت بود؟ دولت بهتر است اول فکری برای ازدواج جوانان بکند بعد به فکر فرزندآوری آنها باشد». یکی دیگر از زوجین از تصمیمات متناقض دولت درباره افزایش جمعیت انتقاد کرده و می‌گوید:

«جمهوری اسلامی مردم را موش آزمایشگاهی فرض کرده است. یک روز با سیاست‌های کنترل جمعیت مانع فرزندآوری آنها می‌شود و یک روز آنها را به باروری تشویق می‌کند». یکی دیگر از زوجین می‌گویند: «دولت برای همین جوانان و نوجوانان موجود یک زندگی معمولی فراهم کند. افزایش جمعیت جوان پیشکش خودش». زوج دیگری معتقدند: «حکومت الکی مردم را از سالمندی جمعیت می‌ترساند. پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا جمعیت‌شان سالمند است». زوج دیگری در انتقاد به تصویب قانون جوانی جمعیت اظهار می‌دارد: «حکومت با دادن تسهیلات و ماشین و زمین به خانواده‌های دارای سه فرزند عملاً دارد میان مردم جامعه دوقطبی ایجاد می‌کند». زوج دیگری در گفتاری نسبتاً مشابه می‌گویند: «ممانعت از غربالگری باعث افزایش ریسک فرزندآوری و تولید بچه‌های معلول و سندروم داون می‌شود. این نشان می‌دهد که برای حکومت فقط تعداد بچه مهم است نه سلامتی فرزند و مادر».

نمودار شماره ۶: دسته‌بندی گره‌های ذهنی سیاسی زوجین نسبت به فرزندآوری



تحلیل و ارزیابی

جمعیت و مسائل مختلف مربوط به آن یکی از مهمترین دغدغه‌های هر نظام سیاست‌گذار در کشورهای مختلف است. نرخ رشد و باروری و میزان جمعیت، ترکیب سنی و جنسیتی جمعیت، شکل هرم جمعیتی، آمارها و گزارشات مربوط به تحصیلات، ازدواج، زاد و ولد، بهداشت، امید به زندگی و... از جمله مسائل و ابعاد مقوله جمعیت است که هم از سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی کشورها تاثیر می‌پذیرند و هم بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌های اداره کشورها به آنها بستگی دارد. در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل جمعیتی

کشور شرایطی را طی می‌نمود که طبق تحلیل کارشناسان وقت، متناسب با روند توسعه زیرساخت‌های لازم در کشور نبود و لذا سیاست‌ها و برنامه‌هایی در جهت کنترل و تنظیم نسبت میان جمعیت و ملاحظات اداره کشور اتخاذ گردید و در نوع خود نیز بسیار موثر و محسوس بود. اکنون نیز پس از گذشت بیش از دو دهه از اتخاذ رویکرد سابق به مساله جمعیت، تحلیل‌های کارشناسانه متفاوتی در باب نسبت میان زیرساخت‌ها و امکان‌های زندگی در کشور و میزان و رشد جمعیت وجود دارند. عده‌ای کماکان معتقد به تداوم روند گذشته در مورد کنترل و تنظیم نرخ رشد جمعیت و به عبارتی مخالف افزایش جمعیت در کشور هستند و عده‌ای نیز معتقدند که این روند جمعیتی از یک سو متناسب با زیرساخت‌های موجود در کشور رشد نکرده و از سوی دیگر به ایجاد بحران در مناسبات مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی منجر خواهد شد و لذا معتقد به افزایش جمعیت می‌باشند.

صرف نظر از اینکه کدام یک از این تحلیل‌ها صحیح و منطبق با واقعیات جامعه ماست، امری که بدیهی به نظر می‌رسد این است که مواجهه با مقوله جمعیت و اتخاذ رویکرد و تصمیم صحیح پیرامون آن در حال حاضر، نیازمند داشتن نگاهی جامع و دقیق به تحولات جمعیتی کشور، علل و زمینه‌های آن در سال‌های اخیر و نیز درک درست و واقع‌بینانه از پیامدهای آن می‌باشد. علم داشتن به این مساله که زمینه‌های رقم خوردن تحولات جمعیتی ایران در سال‌های اخیر از چه سنخ و جنسی بوده و این روند به چه آینده‌ای متصل خواهد شد، نقشی تعیین کننده در تعیین بایدها و نبایدهای جمعیتی کشور خواهد داشت. در پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که آگاهی ذهنی و ادراک زوجین نسبت به فرزندآوری سهم بزرگی در تعیین نرخ باروری در کشور داشته است، به سراغ واکاوی و شناخت ذهنیت آنها نسبت به باروری و افزایش جمعیت در کشور رفته شد.

با عنایت به اینکه فرزندآوری و بچه‌دار شدن در میان زوجین یک انتخاب حداکثری بود و همه زوجین اذعان داشتند که بسیار تمایل به آوردن یک یا دو بچه هستند، اما به شدت به لحاظ ذهنی نسبت به این مساله دچار تردید و شبهه بودند و نگرانی‌ها نسبت به آینده معیشتی و تربیتی فرزندان و نیز سلامت و آسایش فردی در میان زوجین وجود داشت. بخش از این نگرانی‌ها کاملاً به جا و ناظر به وضعیت معیشتی و اقتصادی نامطلوب کشور در دهه گذشته است. تورم، گرانی، بیکاری، عدم ثبات اقتصادی، مسائل سیاسی و امنیتی کشور باعث تقویت نگرانی زوجین نسبت به فرزنددار شدن در چنین شرایطی گردیده است. اما به نظر می‌رسد بخش زیادی از گره‌های ذهنی زوجین مبتنی بر ادراک نادرست از واقعیت و عینیت اجتماعی و اقتصادی کشور است و احساس و ادراک ما از واقعیت بر رفتار ما اثرگذاری بیشتری نسبت به خود واقعیت دارد. احساس محرومیت از واقعیت محرومیت به شدت قوی‌تر و اثرگذارتر است. لذا می‌توان گفت بخشی از این شبهات و گره‌های ذهنی زوجین تا حدودی براساس خطاهای ادراکی و شناختی نسبت به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور شکل گرفته و متأثر از مشهورات رسانه‌ای و گزاره‌ها و تحلیل‌های فاقد مبنا در فضای گفت‌وگومانی کشور بوده است (اقبال و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۵). به عنوان مثال یکی از گره‌های ذهنی پرتکرار درباره وضعیت معیشتی و اقتصادی این بود که آینده اقتصادی فرزندان در ایران خوشایند نیست و معضلات بسیاری اعم از بیکاری، گرانی، کمبود مسکن و امکانات و منابع زندگی آنها را تهدید می‌کند. در حالی که این ذهنیت ناشی از تجربه زیسته والدین دهه شصتی است. توضیح آنکه چالش‌های مربوط به زیرساخت و امکانات آموزشی، درمانی، ورزشی و کمبود موقعیت‌های شغلی برای نسل موسوم به دهه شصت که محصول یک انفجار جمعیتی بودند، در کشوری که به

تازگی تجربه جنگ را پشت سر گذاشته بود، یک اتفاق قابل پیش‌بینی و مورد انتظار بود. اما برای نسلی که نرخ باروری زیر سطح جانشینی را در حال تجربه کردن است و در آینده نرخ رشد منفی جمعیت خواهد داشت، نه تنها با بحران زیرساخت مواجه نخواهد بود بلکه با پدیده مازاد زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی، ورزشی، بهداشتی و موقعیت‌های شغلی نیز روبرو خواهد شد و برای این منظور باید سیاست مهاجرپذیری را برای پویا نگهداشتن چرخه اقتصاد و تولید، در دستور کار خود قرار دهد. چنین روندی البته درباره زیرساخت‌های آموزشی کشور در حال رخ دادن است. امروزه برخی از دانشگاه‌ها با کمبود دانشجو و مازاد استاد و صندلی و کلاس مواجه بوده و اقدام به تعدیل کارمندان و اعضای هیات علمی خود نموده‌اند. این روند در آینده شدت بیشتری نیز به خود خواهد گرفت. لذا به نظر می‌رسد فرزندان امروز ما مانند پدران دهه شصتی خود با بحران کمبود زیرساخت و امکانات مواجه نخواهند بود.

از سوی دیگر می‌توان به غلبه روحیه فردمحوری و رفاه‌گرایی در انسان مدرن و تاثیر فردیت در انتخاب‌های آنها نیز به عنوان عاملی در تقویت این گره‌های شناختی زوجین اشاره کرد. شاید بتوان مهم‌ترین عنصر در هویت تحول‌یافته بشر امروز را فردگرایی دانست. اگر در گذشته، مصلحت‌های اجتماعی پررنگ بوده و منفعت‌های فردی در دامان آن پیگیری می‌شد، هم‌اکنون شادکامی فردی مناسبات و فرایندهای اجتماعی را تعیین می‌کند. از دیگر سو، خانواده‌های جدید با مصرف هویت‌سازی و هویت‌نمایی می‌کنند. روشن است که با فراگیری سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرش فرزندان بیشتری که مصرف دیگر اعضای خانواده را با بحران روبه‌رو می‌کنند، جای کمتری می‌ماند. البته پرهیز از ازدواج و فرزندآوری یا از بین بردن فرزندان به دلیل نگرانی و ترس از عدم امرار معاش سابقه دیرینه‌ای دارد. به عنوان مثال آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (انعام، آیه ۱۵۱) و مضامین مشابهی در سوره اسراء، آیه ۳۱ و انعام، آیه ۱۴۰ و نیز روایت امام صادق (ع) که می‌فرمایند: من ترک التزويع مخافة الفقر فقد اساء الظن بالله، ان الله (عزوجل) يقول: «ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» یعنی: هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می‌فرماید: اگر آنان فقیر باشند از فضل و کرم خود بی‌نیازشان می‌کند (صدق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵۱) و روایات متعدد دیگر نشان از این نگرانی در گذشته دارد، اما امروزه می‌توان ادعا کرد که رفاه از مقوله معیشت فراتر رفته و دو بعد مادی و غیرمادی برای آن در نظر گرفته می‌شود، اما تا نیمه دوم قرن نوزدهم به مقوله رفاه اجتماعی بیش‌تر از بعد اقتصادی و جنبه عینی آن نگریسته می‌شد (هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۸۹). لذا برخی از این گره‌های ذهنی ناشی از گسترش چنین روحیه‌ای در دنیای مدرن و مصرف‌زده کنونی است..

نتیجه‌گیری

تحولات جمعیتی سه دهه اخیر در کشور ما و کاهش پرشتاب نرخ باروری و به تبع آن بعد خانوار، اگرچه زمینه‌ها و عوامل ساختاری متعددی دارد و نمی‌توان از سهم عوامل اقتصادی و اجتماعی کلان در این زمینه غافل بود، اما نباید از نقش فعال و گزینش‌گر عاملیت‌های انسانی نیز در این میان چشم پوشید. در کنار عوامل کلان و ساختاری بسیار مهم، باید اذعان داشت که یک پای این تغییرات جمعیتی در عاملیت افراد و آگاهی‌های ذهنی آنها قرار دارد که منجر به انتخاب سبک زندگی تک‌فرزندی در میان زوجین گردیده است. براین اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و گره‌های ذهنی زوجین نسبت به فرزندآوری صورت گرفت و سعی داشت مشهورات فرهنگی و رسانه‌ای که امروزه نزد برخی از افراد جامعه تثبیت شده و مانع تصمیم زوجین

برای فرزندآوری می‌گردد را احصا کند. این گره‌ها در ۵ دسته عمده شناسایی شد. دسته اول گره‌های ذهنی ناظر به اقتصاد و معیشت بود که، حکایت از دغدغه‌های زوجین درباره شرایط زندگی در جامعه ایران داشت. دسته دوم گره‌های ذهنی ناظر به فرهنگ و تربیت بود که معطوف به نگرانی‌های والدین درباره تربیت و آموزش فرزندان مطرح می‌شد. دسته سوم گره‌های ذهنی ناظر به سلامت و بهداشت بود که نگرانی‌ها و ابهامات پیرامون سلامت مادر و فرزند محور آنها بود. دسته چهارم گره‌های ذهنی هویتی بود که ناظر به نسبت مادری، فرزندآوری و فعالیت‌های خانگی زن با پیشرفت و هویت زنانه مطرح شد و دسته پنجم نیز ناظر به سیاست رسمی کشور و مداخلات حاکمیت در مساله فرزندآوری و افزایش جمعیت مطرح گردید.

هم‌اکنون، خانواده‌ها در چند زمینه نیازمند تغییر نگرش‌اند: در گام نخست، باید نگاه آنان به زندگی دگرگون شود و مسئولیت اجتماعی و تاریخی خانواده را در پایداری نسل بشر و استواری پایه‌های جامعه و مهار کردن آسیب‌های اجتماعی، به درستی بشناسند. در گام دوم، باید پذیرای تغییر سبک زندگی خود به سبک‌های بناشده بر قناعت و بردباری و آینده‌نگری شوند. همچنین باید آثار مثبت فرزندان در افزایش پایداری خانواده، حمایت از پدر و مادر، و افزایش شادابی و هم‌بستگی به آنان گوشزد شود و پیامدهای کاهش بُعد خانوار به درستی برای آنان بیان شود. در گام سوم، با دادن اطلاعات و تحلیل‌ها و مهارت‌های بایسته، نگرانی پدر و مادر از تربیت فرزند در فضای پیچیده کنونی کاهش یابد تا آنان بتوانند سر رشته تربیت درست فرزندان را به دست گیرند.

البته در این میان نباید از نقش حاکمیت و دولت در ایجاد بسترها و شرایط مساعد برای فرزندآوری زوجین غفلت نمود. واضح است که برخی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های زوجین برخاسته از وضعیت نامساعد اقتصادی کشور و مسائل و مشکلات معیشتی آنها اعم از گرانی، بیکاری، درآمد کم و... است و در چنین شرایطی حتی اگر گره شناختی هم وجود داشته باشد بر بستر همین مسائل واقعی سوار شده‌اند و یکی از مهمترین زمینه‌های برطرف کردن این خطاهای شناختی شهروندان، بهبود شرایط زندگی و معیشت آنان است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Ian Craib
2. Vagle
3. Van Manen
4. Vanderstoep
5. Miller
6. Brewer
7. Yanowa
8. Schwartz-shea
9. Burrill
10. Morgan
11. Moustakas
12. Polkinghorne
13. Rapport

References:

Holy Quran

- Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal et al. (2018). The Effect of Value-Attitude Orientations on Childbearing Ideals in Iran, Letter of the Iranian Demographic Association, No. 26. [in Persian]
- Arabi, Seyed Mohammad and Boudlai, Hassan (2011). Phenomenological Research Strategy, Journal of Humanities Methodology, No. 68. [in Persian]
- Arhami, Asiye (1401). Observation of Iranians' Behaviors and Attitudes on Childbearing, Report of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Cultural Studies Office. [in Persian]
- Burrill, Gibson and Morgan, Garrett (2007). Sociological Macro theories and Organization Analysis, Translated by Mohammad Taghi Nooruzi, Tehran: Samt. [in Persian]
- Eghbali, Abolfazl et al. (1403). Unfruitful Beliefs, Tehran: Coordination Headquarters of Cultural and Artistic Centers of Mosques of the Country. [in Persian]
- Fazli, Marzieh et al. (2014). A Sociological Study of Explaining Social Factors of Attitudes to Childbearing (Case Study: Married Women in Shiraz). Quarterly Journal of Women and Society, No. 60. [in Persian]
- Hazar-Jaribi; Jafar and Reza Safari-Shali (2012), Anatomy of Social Welfare, Tehran, Society and Culture Publications. [in Persian]
- Heidari, Sedighe (1403). Analysis of Factors Affecting the Desire to Have Children with a Phenomenological Approach, Journal of Women and Society, No. 60. [in Persian]
- Krayeb, Yan. (2002). Modern Social Theory from Parsons to Habermas, Abbas Mokhbar, Tehran, Agah. [in Persian]
- Majlisi, Mohammad Baqer (2014 AH). Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafa Institute.
- Miller, Larbert & Brewer, John (2003), "the A-Z of social research" a dictionary of key social science research concepts.
- Mirabi, Saeedeh et al. (2019). Phenomenological study of married women's awareness of childbearing, Quarterly Journal of Applied Sociology, No. 79. [in Persian]
- Moustakas, C. E. (1994), Phenomenological research methods. Thousand Oaks, CA: Sage Publications
- Naqibzadeh, Ahmad and Fazeli, Habibollah (2006). An introduction to phenomenology as a scientific method, Journal of Political Science, No. 2. [in Persian]
- Neuman, w. i. (2003), "social research methods", (5th Ed). upper saddle river, NJ: prentice hall.
- Niazi, Mohsen et al. (2016). Meta-analysis of social factors affecting fertility in Iran, Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development, No. 29. [in Persian]
- Polkinghorne, d. e (1989), "phenomenological research methods" in R.S. valle & s. haling (eds.), existential phenomenological perspectives in psychology (pp.41-60). New York: plenum press
- Priest, h. (2002), "an approach to the phenomenological analysis of data", news researchers, 10 (2), 50-63
- Rapport, f. & wainwright. p, (2006), "phenomenology as a paradigm of movement", nursing inquiry, 13 (3), 228-236
- Rastegar Khalid, Amir et al. (2017). Women's Value Orientation and Fertility Control, Quarterly Journal of Strategic Women's Studies, No. 75. [in Persian]
- Sadogh, Mohammad Ben Ali (1413 AH). Man La Hazreh Al-Faqih, Qom: Qom Seminary Teachers' Association. [in Persian]

- Taqvaifard, Leila et al. (2010). Study of Body Management Among Women and Its Effect on Their Attitudes Towards Fertility, *Journal of Women and Society*, No. 43. [in Persian]
- Vagle, M. (2018), *Crafting Phenomenological Research*, New York: Routledge.
- Van Manen, M. (2001), *Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*, State University of New York Press.
- Vanderstoep, Scott (2009), "research method for everyday life. Blending qualitative & quantitative approach", by john wilay & sons, Inc
- Yanowa, Dvora & Schwartz-shea, Peregrine (2006), "interpretation and method: empirical research methods and the interpretive turn" by M.E, SHARPE London Inc
- Zibainejad, Mohammad Reza (2013). *Demographic Developments in Iran; Factors, Consequences, Strategies*, Qom: Women and Family Research Institute. [in Persian]